

آسیب‌شناسی مشکلات زوجین در مرحله نامزدی: یک مطالعه کیفی Pathology of couples problems in engagement: A qualitative study

Mehdi Rostami

Counseling

Shokouh Navabinejad &

Valiyolah Farzad

Kharazmi University

مه‌دی رستمی*

مشاوره

شکوه نوابی‌نژاد** و

ولی‌الله فرزاد

دانشگاه خوارزمی

چکیده: دوران نامزدی یک دوره حد واسط است که فرد را آماده انتخاب مناسب و ورود به زندگی مشترک می‌کند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی آسیب‌شناسی مشکلات زوجین در مرحله نامزدی بود. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. بر اساس معیار اشباع نظری، تعداد ۱۳ زوج نامزد در این مطالعه شرکت کردند. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. سپس داده‌ها جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضمون‌های اصلی و فرعی طبقه‌بندی شد. تحلیل تجارب مصاحبه با زوجین نامزد منجر به شناسایی ۲۴۳ کد اولیه، ۱۹ مضمون فرعی و ۵ مضمون اصلی شامل الگوهای ناکارآمد ارتباطی، الگوهای ناکارآمدی مدیریت رابطه، نظام ارزشی زوج‌ها، ذهنیت طحاره‌ای و اثرات مخرب خانواده اصلی شد. نتایج نشان داد که عواملی مانند عدم درک و تعامل متقابل، مشکلات ارتباطی، عدم اصالت، ناتوانی در دلگرمی دادن و اطمینان بخشی، ناتوانی در مدیریت تعارض‌ها، عدم شفافیت نقش‌ها، ناتوانی در مدیریت حریم و مرز شخصی، ناتوانی در مدیریت شبکه اجتماعی، نگرش نسبت به مذهب و معنویت، فرهنگ و رسوم، عقاید و باورها، نیازها، تله‌ها، خودآگاهی (خودشناسی)، خلق‌وخوی هیجانی، وابستگی، الگوگیری منفی خانواده، تجارب ناموفق در خانواده و نقش منفی خانواده در مشکلات و آسیب‌های دوره نامزدی برای زوجین نامزد در آستانه ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ بنابراین ضروری است در برنامه‌های غنی‌سازی پیش از ازدواج که برای جوانان اجرا می‌شود به این عوامل مهم توجه ویژه شود.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، مشکلات زوجین، مرحله نامزدی، مطالعه کیفی

Abstract: The nomination period is an intermediate period that prepares a person to choose the right one and to enter a common life. Accordingly, the aim of the present study was to investigate the pathology of couples' problems in the stage of engagement. The study was conducted in a qualitative method using a phenomenological approach. theoretical saturation criterion, 13 couple's engagement participated in this study. The semi-structured interview method was used to collect information. Then the data was collected, recorded, coded and categorized as main and sub themes. Analysis of the experiences of the interview with the candidate's couples resulted in the identification of 243 primary codes, 19 sub-themes and 5 main themes including ineffective communication patterns, patterns of inefficiency in relationship management, value system of couples, schematic mentality, and the destructive effects of the main family. The results showed that factors such as lack of understanding and interaction, communication problems, lack of originality, inability to encourage and reassure, inability to manage conflicts, lack of transparency of roles, inability to manage personal and personal boundaries, disability in social network management, attitude towards religion and spirituality, culture and traditions, beliefs, needs, traps, self-knowledge, emotional mood, dependency, negative family modeling, unsuccessful experiences in the family, and negative role of the family in problems and injuries. The nomination period for married couples plays an important role on the verge of marriage. Therefore, it is imperative to pay special attention to these important factors in pre-marital enrichment programs for young people.

Keywords: Pathology, couples problems, engagement stage, qualitative study

* دانشجوی دکتری گروه مشاوره، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
**نشانی پستی نویسنده مسوول: استاد گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران پست الکترونیکی:

navabinejad93@gmail.com

مقدمه

زمان مابین دوره آشنایی تا زمان عقد رسمی و تشکیل خانواده دوره نامزدی^۱ گفته می‌شود که کیفیت ارتباط زوجین در این دوره می‌تواند پیش‌بینی‌کننده کیفیت ارتباط آنها در دوره‌های بعدی زندگی زناشویی باشد (اسدی شیشه‌گران، قمری کیوی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵). در دوران نامزدی زوجین دارای شرایط و مسائل خاصی هستند که می‌توان به استرس و فشار ناشی از ازدواج، روابط بین زوجین، تعارض با خانواده همسر، استقلال و ایجاد مرز بین خود و همسر و خانواده همسر، یکی شدن با همسر، ایده‌آل‌سازی یا بهتر جلوه دادن خود، کنترل و ایجاد تغییر در همسر اشاره کرد که در این میان تعارض‌های ناشی از این دوران از اهمیت قابل توجهی برخوردار است (رستمی و قزل‌سفلو، ۱۳۹۷).

به عقیده پژوهشگران دوران نامزدی و سال‌های اول ازدواج از مقاطع مهم در چرخه زندگی خانوادگی است که در آن سطح تعارض و اختلاف‌ها افزایش می‌یابد (حاجلو، علیزاده گورادل، قطبی و دلاور قوام، ۱۳۹۲). اگرچه دوران نامزدی تجارب رشدی زیادی مثل مصاحبت و همراهی، تعاملات آزادانه‌تر و حمایت‌های عاطفی را برای زوج جوان به وجود می‌آورد ولی اغلب زوجین به خاطر شرایط این دوران در معرض تعارض و تنش‌های بیشتری قرار دارند (هلمس، سالیوان، کورونا و تایلر، ۲۰۱۳). نلسون^۲ (۲۰۰۸)؛ به نقل از خجسته‌مهر، دانیالی و شیرالی‌نیا، ۱۳۹۴) در یک مطالعه کیفی به یک مدل سه مرحله‌ای برای آمادگی ازدواج دست یافت؛ این مدل نشان داد که آمادگی ازدواج قبل از دوران نامزدی^۳ آغاز می‌شود. در طول مرحله اول، یعنی پیش عشق‌ورزی^۴، آمادگی فرد به صورت رشد شخصی^۵ آغاز می‌شود؛ شرکت‌کنندگان در این مرحله به چهار حیطة اشاره کردند که به آمادگی ازدواج آنها کمک کرده بود: یادگیری از مدل ازدواج والدین^۶، یادگیری از روابط عاشقانه^۷، تربیت

دینی^۸، رشد حس خود^۹ و ویژگی‌های شخصی^{۱۰}. مرحله دوم این مدل عشق‌ورزی^{۱۱} است که در آن آماده‌سازی رابطه برای یک انتخاب نهایی صحیح رخ می‌دهد. زوجین به چهار حوزه اصلی که به آمادگی ازدواج آنها در این مرحله کمک کرده بود، اشاره کردند: آشنا شدن^{۱۲}، تبادل اطلاعات باهم^{۱۳}، هم‌خانگی^{۱۴} و حل چالش‌ها^{۱۵}. در نهایت، مرحله سوم این مدل، نامزدی بود. در این مرحله تعاملات افراد هدفمندتر می‌شود. بر اساس نتایج به‌دست آمده مشخص شد که آماده‌سازی افراد نه‌تنها برای دوره نامزدی بلکه در طول مراحل نوجوانی و جوانی ضروری است (رستمی و قزل‌سفلو، ۱۳۹۷). همچنین پری (۲۰۱۳) در بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش مردان آمریکایی آفریقایی‌تبار به ازدواج طبقات زیر را استخراج کرد: مشاهده ویژگی‌های مثبت و پتانسیل‌های زن و شوهری، نفوذ خانواده مبدأ (به‌ویژه پدران)، نقش کلیسا و اقدامات دولتی در ترویج ازدواج، الگوی ازدواج و میزان درآمد به‌عنوان عامل دلسردکننده یا ترغیب‌کننده در ازدواج.

در ایران نیز در پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۴) در تحلیل تجارب دانشجویان متأهل از آمادگی برای یک ازدواج مناسب، منجر به شناسایی ۵ مضمون اصلی شامل آمادگی درون‌فردی، آمادگی بین‌فردی، آمادگی موقعیتی، الزام‌آوری نیازها و حمایت اجتماعی شد؛ نتایج آنها نشان داد که عواملی مانند آمادگی اخلاقی، عاطفی و روانی برای ازدواج، کسب استقلال عاطفی و مالی از خانواده اصلی، آمادگی فداکاری، گذشت و متعهد بودن در قبال همسر، پذیرش مسئولیت‌ها و چالش‌های زندگی مشترک، کسب مهارت‌های لازم برای زندگی مشترک، ملاک‌گذاری برای انتخاب همسر، طی کردن دوره شناخت، کسب تجربیاتی از زندگی مشترک اطرافیان، آمادگی سنی، الزام‌آور بودن نیازها و حمایت اطرافیان، نقش مهمی در آمادگی افراد برای ازدواج ایفا می‌کنند.

با این تفاسیر می‌توان شاخص‌هایی را که باید قبل از ازدواج و در مرحله نامزدی به آنها توجه کرد به سه دسته تقسیم نمود:

8. religious upbringing
9. developing a sense of self
10. personal characteristics
11. courtship
12. getting to know each other
13. communicating
14. cohabitation
15. working through challenges

1. engagement
2. Nelson, H. A.
3. engagement period
4. pre-courtship
5. self-development
6. parental marriage example
7. romantic relationships

پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده موردنظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر؟ دوران نامزدی با وجود تمام اهمیتی که دارد، هنوز در ایران، به اندازه کافی جدی گرفته نشده است؛ از این رو روش فوق برای مطالعه حاضر انتخاب شد. در این پژوهش بر اساس هدف مطالعه، شرکت‌کنندگان از بین جامعه زوجین نامزد شهر تهران که معیارهای ورود به مطالعه را داشتند انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل نامزدبودن (مرحله ماقبل عقد رسمی)، داشتن حداقل مدرک دیپلم، گذشتن حداقل ۶ ماه و حداکثر یک سال و نیم از دوران نامزدی و رضایت به انجام مصاحبه بود. برای انتخاب نمونه از شیوه نمونه‌گیری هدفمند^۴ استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند به انتخاب نمونه‌هایی اشاره دارد که حداکثر دستیابی به پاسخ سؤالات را ممکن می‌سازند و می‌توانند در زمینه پدیده مورد نظر اطلاعات جامعی را در اختیار پژوهشگر قرار دهند (کرسول و کلارک، ۲۰۰۷). فرایند گزینش افراد نیز تا زمانی ادامه پیدا کرد که در جریان کسب اطلاعات، هیچ داده جدیدی پدیدار نشد؛ یعنی جمع‌آوری داده‌ها تا حصول اشباع^۵ نظری داده‌ها ادامه یافت و در نهایت تعداد مشارکت‌کنندگان به ۱۳ زوج نامزد رسید.

به منظور رعایت اصول اخلاقی، ابتدا مشارکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت در تحقیق شرکت کردند؛ علاوه بر کسب رضایت آنها جهت ضبط صدا، به آنها اطمینان داده شد که تمام مشخصات آنها محرمانه باقی خواهد ماند. همچنین حق انصراف در تمام فرایندها پژوهش به آنها داده شد. تمام مصاحبه‌ها نیز با تعیین زمان مشخص شده از سوی شرکت‌کننده و در مکانی خلوت انجام گرفت. ماهیت اکتشافی پژوهش موجب شد که از روش مصاحبه عمیق و بدون ساختار^۶ استفاده شود. سؤال‌ها با تمرکز بر روی تجارب مربوط به دوره نامزدی و رخدادهای مهم این دوره پیگیری شد. توالی پرسش‌ها با توجه به فرایندها مصاحبه و پاسخ‌های هر زوج یکسان نبود؛ اما سعی شد انواع مشابهی از اطلاعات از همه زوجین گردآوری شود. به عنوان مثال مصاحبه‌ها اغلب با به‌کارگیری سؤالات زمینه‌ای در خصوص دیدگاه زوجین از دوره نامزدی، مدت زمان مناسب دوره نامزدی، علل و عوامل به وجود آورنده مشکل‌ها و تنش‌های این دوره آغاز و سپس

۱- عوامل مربوط به تاریخچه هر یک از زوجین یا منابع بالقوه و بالفعل هر یک از زوجین؛ ۲- صفات و ویژگی‌هایی چون احترام به خویشتن، اعتمادبه‌نفس، برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، سلامت جسمی و روانی؛ ۳- نظام ارزشی زوج‌ها، نگرش‌ها و شیوه‌های مقابله با استرس و مهارت‌های حل مسئله (گاتمن و گاتمن، ۲۰۱۲). از این رو، دوره نامزدی، به عنوان دوره آمادگی و آماده‌سازی برای ازدواج موجب نگاهی دقیق‌تر و صادقانه‌تر زوجین به روابطشان با یکدیگر می‌شود و این فرصت را به آنها می‌دهد تا درباره اهدافشان، نگرش‌هایشان، ترس‌ها و تردیدهایشان و مسائل اقتصادی و آنچه که هستند و می‌توانند باشند، اهداف و دلایل ازدواجشان بیشتر تفحص کنند و به نوعی به خودآگاهی دست یابند (راگوف، ۲۰۱۳؛ رفیعی، اعتمادی، بهرامی و جزایری، ۱۳۹۴؛ قزلسفلو، جزایری، بهرامی و محمدی، ۱۳۹۶).

با توجه به این‌که تا به امروز در کشور ما، مطالعه کیفی در مورد تجربیات زیسته^۱ مرتبط با دوره نامزدی انجام نشده است؛ بنابراین نقص دانش درباره معنای دوره نامزدی و آسیب‌های این دوره یکی از عوامل مهم انجام پژوهش کیفی حاضر است. همچنین با توجه به اینکه باورهای دوره نامزدی متأثر از بافت فرهنگی هر یک از زوجین است (ویلیبی، هال و لوزاک، ۲۰۱۵) و نتایج مطالعات انجام شده در یک فرهنگ را نمی‌توان به فرهنگ دیگر تعمیم داد، بنابراین انجام پژوهش در خصوص شناسایی آسیب‌های دوره نامزدی به روش کیفی در بافت فرهنگ بومی کشورمان ضرورت دارد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال مطالعه چستی تجارب دوره نامزدی بود تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که زوجین نامزد چه تجربیاتی از دوره نامزدی داشته‌اند؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی^۲ انجام شد. در این پژوهش، در فرایند کار، بر توصیف آنچه که افراد بیان می‌کنند تمرکز می‌شود تا منجر به کشف پدیده‌های تازه شود (اسپیژال، استراوبرت و کارپنتر^۳، ۲۰۱۱؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۴). مسئله اصلی در کاربرد

4. purposive sampling
5. saturation
6. deep and unstructured interview

1. lived experiences
2. phenomenology
3. Speziale, H. S., Streubert, H. J., & Carpenter, D. R.

یافته‌ها

جهت کشف مفاهیم اولیه نظم‌دهی مفهومی که نتیجه فرایند تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته است، مطابق اصول روش تحقیق کیفی از روش کدگذاری باز^۱ و سپس کدگذاری محوری^۲ استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بر مبنای تحلیل تماتیک^۳ مصاحبه‌های انجام‌شده با زوجین نامزد، آسیب‌های برآمده از دوره نامزدی در مرحله کدگذاری اولیه ۲۴۳ کد اولیه، در مرحله دوم ۱۹ مضمون فرعی که از واحدهای معنایی اساسی و محتوای موجود در ۵ مضمون اصلی استخراج شد.

مصاحبه با سؤال‌هایی درباره نقش خانواده‌های اصلی، ویژگی‌های شخصیتی، سطح تحصیلات، تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، تحصیلی، سن، مذهب، ترس‌ها و تردیدهای انتخاب نهایی و با شکایت‌های رایج زوجین نامزد ادامه یافت و در آخر با جمع‌بندی از عوامل به‌وجودآورنده مشکل و آسیب و راهکارها و پیشنهادها پیش رفت. مدت مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه متغیر بود و داده‌ها در طول یک دوره ۳ ماهه، جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامین عمده دسته‌بندی شد. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۸/۷۸ سال با انحراف استاندارد ۶/۲۳ و میانگین دوره نامزدی ۱۸/۳۸ ماه با انحراف استاندارد ۱۱/۳۸ بود.

جدول ۱

مضامین اصلی و فرعی آشکارشده از تحلیل داده‌ها

مضمون اصلی	مضمون فرعی
الگوهای ناکارآمد ارتباطی	عدم درک و تعامل متقابل، مشکلات ارتباطی، عدم اصالت، ناتوانی در دلگرمی دادن و اطمینان‌بخش بودن
الگوهای ناکارآمد مدیریت رابطه	ناتوانی در مدیریت تعارض‌ها، عدم شفافیت نقش‌ها، ناتوانی در مدیریت حریم و مرز شخصی، ناتوانی در مدیریت شبکه اجتماعی
نظام ارزشی زوجها	نگرش نسبت به مذهب و معنویت، نگرش نسبت به فرهنگ و رسوم، عقاید و باورهای ناکارآمد
ذهنیت طحوره‌ای	نیازها، تله‌ها، خودآگاهی، خلق‌وخوی هیجانی، وابستگی
اثرات مخرب خانواده اصلی	الگوگیری منفی از خانواده، تجارب ناموفق در خانواده، نقش منفی خانواده

الگوهای ناکارآمد ارتباطی

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به الگوهای ناکارآمد ارتباطی^۴ اشاره کردند که شامل مقوله‌های عدم درک و تعامل متقابل^۵، مشکلات ارتباطی^۶، عدم اصالت^۷ و ناتوانی در دلگرمی دادن و اطمینان‌بخش بودن^۸ است. منظور از تعامل و درک متقابل، ارتباطات زوجین در چارچوب حواس پنج‌گانه و بدون لحاظ جنبه‌های عاطفی و شناختی این ارتباطات است. در این راستا پس از مصاحبه با زوجین کدهای ناتوانی در ابراز عشق و صمیمیت اصیل، ناتوانی در پذیرش تفاوت‌ها، ناتوانی در درک و اطلاع از فعالیت‌های یکدیگر، عدم درک تفاوت‌های نقش جنسیتی یکدیگر، عدم توجه به نیازهای یکدیگر، دلسرد کردن یکدیگر، کیفیت پایین رابطه، عدم پذیرش طرفین، ناتوانی در ابراز کلامی عاطفی، ناتوانی در ابراز صمیمیت کلامی، ناتوانی

در استفاده از کلمات محبت‌آمیز و احترام‌آمیز، ناتوانی در درک همسر هنگام دلخوری و ناراحتی و ناتوانی در بیان احساسات استخراج شد که این کدها در مضمون فرعی عدم درک و تعامل متقابل قرار گرفت. به‌عنوان نمونه دختر ۲۵ ساله بیان کرد که: «فکر می‌کنم چون تو خانواده نامزدم دختر نداشتن نمی‌تونه خوب احساسات یک دختر رو درک کنه و گاهی اصلا نمی‌تونه ویژگی‌ها و تفاوت‌های دو جنس رو خوب بفهمه مثلاً وقتی بر اساس فیزیولوژیکی تغییرات تو بدنم اتفاق میوفته و خلقم پایین هستش خیلی برام جالبه که نمی‌تونه بفهمه حالمو و این تفاوت رو درک کنه و این منو خیلی کلافه می‌کنه».

در بحث مشکلات ارتباطی می‌توان گفت که مشکلات ارتباطی، شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست‌خورده است؛ چراکه الگوهای ارتباطی ناکارآمد، موجب

1. open coding
2. axial coding
3. thematic analysis

4. ineffective communication patterns
5. understanding and interaction
6. communication problems
7. lack of originality
8. inability to encourage and reassure

بدی در مورد خانواده آن گفته بودند و از طرفی گفته بودند که نامزدم قبلاً زن داشته و عقد کرده بوده و شیرینی پخش کرده است درحالی‌که نامزدم به ما گفته بود که اولین باری هست که حتی به خواستگاری می‌آید».

در بحث ناتوانی در دلگرمی دادن و اطمینان‌بخش بودن، بر پذیرش، ابراز عشق و تعهد به همسر تأکید دارد و به انتقال حس اهمیت داشتن به همسر و رابطه اشاره دارد و حس عمیقی از امنیت به ازدواج و رابطه‌شان دارند و شامل گفتگوی مستقیم با همسر درباره تعهد و تمایلشان به ماندن در رابطه می‌شود. در مصاحبه با زوجین به کدهای تردید داشتن نسبت به همدیگر و مطمئن نبودن به آینده رابطه، پاسخگو نبودن، آرامش‌بخش نبودن رابطه، نادیده گرفتن تلاش‌های همدیگر و قردان نبودن، نادیده گرفتن یکدیگر، ناتوانی در احساس اطمینان دادن، ناتوانی در دادن اطمینان و امنیت روانی و عاطفی، ناتوانی در حمایت و همدلی کردن، ناتوانی در همکاری و اطمینان دادن، نامهربانی کردن، متعهد نبودن، نخریدن هدیه و گل و یادآوری نکردن رویدادهای مهم زندگی یکدیگر، انجام کارهای عملی برای کمک به همدیگر اشاره شد. به‌عنوان نمونه آقای ۲۹ ساله بیان کرد «یک سال پیش مادرم فوت کرد و اونجا هم سر یه چیزایی حرفمون شد و نامزدم من رو ۶ ماه تو اون غم تنها گذاشت. خونواده‌اش هم هیچ حالی از من نپرسیدن و این حس تنها بودن خیلی اذیتم کرد».

الگوهای ناکارآمد مدیریت رابطه

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به الگوهای ناکارآمد مدیریت رابطه^۱ اشاره کردند که شامل مقوله‌های ناتوانی در مدیریت تعارض^۲، عدم شفافیت نقش‌ها^۳، ناتوانی در مدیریت حریم و مرز شخصی^۴ و ناتوانی در مدیریت شبکه اجتماعی^۵ است. در بحث مدیریت تعارض به توانایی زوجین برای استفاده از روش‌هایی برای حل تعارض‌ها در زندگی زناشویی اشاره دارد؛ مانند همکاری و عذرخواهی کردن. از این‌رو، در مصاحبه با زوجین کدهای ناتوانی در بخشیدن و گذشت کردن، ناتوانایی در حل مسائل بین‌فردی، ناتوانی در حل مسئله، ناتوانی در درک شرایط یکدیگر، متهم کردن یکدیگر، ناتوانی در حل تعارض‌ها، دنبال مقصر گشتن، ناتوانی در مذاکره و همدلی، ناتوانی در مدیریت مالی، ناتوانی در خاتمه دادن به بحث و

می‌شود مسائل مهم زندگی مشترک، حل‌نشده باقی بمانند و منبع تعارض تکراری در بین زوجین شود. در مصاحبه با زوجین کدهای ناتوانی در تعاملات فرد با فرد، ناتوانی در ارتباط چهره به چهره، ناتوانی در گفتگوی دو نفره درباره امور زندگی، ناتوانی در پذیرا بودن نسبت به نظرات یکدیگر، گارد داشتن نسبت به انتقادات و مسائل مربوط به ازدواج و مراسم‌های ازدواج، ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر، ناتوانی در شروع، ادامه و پایان یک گفتگوی مؤثر، ناتوانی در برقراری ارتباط کلامی مناسب و قضاوت کردن دیگران در رابطه استخراج شد. به‌عنوان مثال آقای ۳۱ ساله بیان کرد «چیزی که من احساس می‌کنم و خودش هم گفته این هست که نامزد من کمی پرتوقع هست، توقع نه به معنایی که دخترها پسرها را تیغ می‌زنند ولی چیزهایی را دیدم که احساس می‌کنم پرتوقع هست مثلاً می‌گوید وقتی ازدواج کردیم و خانه خریدی چند دنگ آن را به نام من می‌زنی؟ یا برای من هیوندا می‌خری؟ یا ... که این توقعات من را می‌ترساند که من به آن می‌گویم تو در خانه پدری همچین شرایطی را نداشته‌ای اما از من توقع همچین مواردی را داری؟ و یا اینکه پولی که حاصل دسترنج چند ساله من هست و بخواهم خانه بخرم را چرا باید به نام تو بزنم؟ آیا اگر تو همچین پولی داشتی این کار را انجام می‌دادی؟ که قطعاً این کار را انجام نمی‌داد».

بحث عدم اصالت و باز بودن اشاره دارد به گفتگو و بیان مستقیم احساسات در مورد رابطه و همدیگر. در متون نظری، مطالعات به شفافیت، خودافشایی، بیان بی‌پرده افکار و احساسات و بی‌پرده‌گویی در روابط اشاره کرده‌اند. همچنین در مصاحبه با زوجین به کدهایی مانند خود واقعی نبودن، صادق نبودن، در دسترس نبودن، روراست نبودن، عدم در اختیار قرار دادن اطلاعات مهم، عدم خودافشایی، بیان نکردن ترس‌ها و نگرانی‌ها، خود نبودن، نقاب زدن و نقش بازی کردن مطرح ساختند که همه این کدها در مضمون فرعی عدم اصالت قرار گرفت. به‌عنوان مثال دختر ۲۹ ساله چنین گفت «بعد از خواستگاری در شرایطی که نامزدم با تحقیق مخالف بودند و می‌گفتند که تحقیق قدیمی هست و در این دوره شناخت رودررو به‌وجود می‌آید، مادر من برای تحقیق به محله آنها رفت و شرایط بدی به‌وجود آمد، همسایه‌ها و اطرافیان حرف‌های

1. patterns of inefficiency in relationship management
2. inability to manage conflicts
3. lack of transparency of roles
4. inability to manage personal and personal boundaries
5. disability in social network management

مراقبت و محافظت از افکار، احساسات، امنیت، رفتار و هویت فردی است. در مصاحبه با زوجین کدهای درخواست رابطه جنسی، ناتوانی در حفظ حرمت‌ها، ناتوانی در رعایت مرزها و چارچوب‌های اخلاقی، روابط باز و بی‌مرز داشتن، ناتوانی در حفظ حریم خانواده یکدیگر، بی‌پرده‌گویی و هتک حرمت استخراج شد. به‌عنوان مثال خانم ۳۴ ساله بیان کرد «خانواده نامزد من از نظر پوشش ظاهری و یا روابط خارج از عرف با من خیلی فرق داشتند و این یکی از دلایل دعواها من بود به‌طوری‌که نامزد من به دلیل شغلی که داشت زیاد تو روابطش چارچوبی نداشت و روابط باز و بی‌حدومرزی داشت و از منم می‌خواست مثل اون فکر کنم و مثل اون رفتار کنم و این منو آزار می‌ده خانواده من اصلاً همچین چیزی رو نمی‌پسندند و این موضوع منو تو انتخاب و تصمیم نهایی مردد کرده».

بحث شفافیت نقش‌ها اشاره دارد به تقسیم و انجام وظایف و مسئولیت‌ها به وسیله زوجین. در مصاحبه با زوجین کدهای ناتوانی در عهده‌دار شدن وظایف خود، عدم مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده، دخالت ندادن همسر در تصمیم‌گیری‌ها و تک‌بعدی رفتار کردن، مسئولیت‌پذیر نبودن، رفیق‌بازی کردن، بلا تکلیفی نقش، ناتوانی در شناخت نقش جنسیتی یکدیگر و تعارض در نقش‌ها استخراج شد. به‌عنوان نمونه خانم ۲۸ ساله چنین بیان کرد «چون من بیرون شاغل هستم به نامزد من گفتم که شما هم باید در کارهای خانه با من مشارکت کنید و ایشان گفتند که من تنبل هستم و در ۲۰ درصد از کارها می‌توانم به تو کمک کنم اما کمک ایشان به این معنی نیست که جارو کنند یا ظرف بشورند که ما به خاطر این مسائل مشکل داریم و هرچقدر پرنرنگ‌تر می‌شود و بیشتر توضیح می‌دهیم به این نتیجه می‌رسیم که در آینده، من باید کسی باشم که دو شیف‌ت کار کنم و در منزل هم کارهای خانه را انجام دهم که در این صورت من توانایی این کار را ندارم و اگر کمک نکند به مشکل خواهیم خورد».

نظام ارزشی زوج‌ها

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به نظام ارزشی زوج‌ها^۱ اشاره کردند که شامل مقوله‌های نگرش نسبت به مذهب و معنویت^۲، نگرش نسبت به فرهنگ و رسوم^۳ و عقاید و باورهای ناکارآمد^۴ است. نخستین بحث در نظام ارزشی زوج‌ها بحث نگرش نسبت به مذهب و معنویت است. با توجه به قوی بودن

مشاجره، قهر کردن و گوشه‌نشینی، کناره‌گیری عاطفی، ناتوانی در گفتگو و گفت‌وگو مؤثر بر سر مشکل، کوتاه نیامدن از مواضع یکدیگر، ناتوانی در تفاهم بر سر خرید مربوط به مراسم ازدواج، ناتوانی در مدیریت تاریخ و برنامه مراسم ازدواج، معذرت‌خواهی نکردن، دعوا و مشاجره‌های ناتمام بر سر کوچک‌ترین مسئله و منعطف نبودن استخراج شد. به‌عنوان مثال خانم ۲۵ ساله چنین بیان کرد «همیشه بعد دعوا من پیش‌قدم شدم باینکه تقصیرکار هم نبودم و این منو همیشه ناراحت می‌کرد و فرقی هم نداشت که چه کسی دعوا رو شروع کنه. تنها کاری که نامزد من موقع دعوا کردن می‌کرد این بود که بره با دوستاش خوش بگذرونه و اصلاً برایش اهمیت نداشت که آشتی کنه یا نه و منم به اصرار خانواده مجبور می‌شدم پیش‌قدم بشم برای آشتی کردن».

بحث شفافیت نقش‌ها اشاره دارد به تقسیم و انجام وظایف و مسئولیت‌ها به وسیله زوجین. در مصاحبه با زوجین کدهای ناتوانی در عهده‌دار شدن وظایف خود، عدم مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده، دخالت ندادن همسر در تصمیم‌گیری‌ها و تک‌بعدی رفتار کردن، مسئولیت‌پذیر نبودن، رفیق‌بازی کردن، بلا تکلیفی نقش، ناتوانی در شناخت نقش جنسیتی یکدیگر و تعارض در نقش‌ها استخراج شد. به‌عنوان نمونه خانم ۲۸ ساله چنین بیان کرد «چون من بیرون شاغل هستم به نامزد من گفتم که شما هم باید در کارهای خانه با من مشارکت کنید و ایشان گفتند که من تنبل هستم و در ۲۰ درصد از کارها می‌توانم به تو کمک کنم اما کمک ایشان به این معنی نیست که جارو کنند یا ظرف بشورند که ما به خاطر این مسائل مشکل داریم و هرچقدر پرنرنگ‌تر می‌شود و بیشتر توضیح می‌دهیم به این نتیجه می‌رسیم که در آینده، من باید کسی باشم که دو شیف‌ت کار کنم و در منزل هم کارهای خانه را انجام دهم که در این صورت من توانایی این کار را ندارم و اگر کمک نکند به مشکل خواهیم خورد».

بحثی دیگر ناتوانی در مدیریت حریم و مرز شخصی است؛ در تعریف مدیریت حریم و مرز شخصی چنین آمده است که حوزه مالکیت هر فرد تعیین‌کننده و تأمین‌کننده هویت، تمامیت و امنیت آن فرد است. از این رو، تبیین ارزش‌ها و معتقدات مورد حمایت افراد در کلیه عرصه‌های زندگی است که هدف آن

1. value system of couples
2. attitude towards religion and spirituality
3. culture and traditions
4. dysfunctional beliefs

تفکرات، انتظارات و اعتقادات ناکارآمد ناشی از شناخت‌های اشتباه و عقاید نادرست و نگرش‌های غلطی است که علت اصلی اختلاف‌ها در روابط زوجین به شمار می‌رود؛ از این رو پس از مصاحبه با زوجین موارد زیر وعده تغییر کردن در طول ازدواج، نادیده گرفتن رفتارها و گفتارها به امید اصلاح در طول ازدواج، باور به تغییر پذیری یکدیگر، باور به همفکر بودن همسر، داشتن ازدواج رؤیایی، نگرش ایده‌آل به ازدواج، کمال‌گرایی در انتخاب همسر، باورهای غلط در خصوص مراسم‌های ازدواج، باور به مشابه و همسو بودن دائمی، توقعات و انتظارات بالا از همسر، توقعات بیش‌ازحد از همسر و خانواده همسر، خودرأیی در حل مشکلات بدون کمک از مشاور و خانواده، باور غیرواقعی به تناسب شخصیتی با همسر (ساخته‌شدن برای یکدیگر)، یکدندگی در برگزاری مراسم‌های ازدواج (همفکری نکردن با نامزد)، کشف نکته‌های پنهان یکدیگر پس از ازدواج، نادیده گرفتن نقص‌ها و کمبودها و تفاوت‌ها، باور به ملکه بودن و خوشی دائمی در ازدواج، باور به تغییر دادن خواسته‌ها و نیازهای یکدیگر پس از ازدواج، فرار از دعوی با مادر و پناه بردن به ازدواج، تغییر اولویت‌ها به دلیل تصاحب فرد مورد علاقه، راضی نگه‌داشتن همه و ازدواج ابزاری (انتخاب فرد بر اساس موقعیت و شرایط) استخراج شد. به‌عنوان مثال خانم ۲۸ ساله در این زمینه چنین گفت «من شخصی انعطاف‌پذیر هستم و گاهی که حرف یا نظری دارم اگر برای من توضیح بدهند و از نظر منطقی قانع شوم تغییر عقیده می‌دهم اما حس می‌کنم نامزد من این ویژگی را ندارد و منعطف نیست و این موضوع خیلی آزاردهنده است و نمی‌دانم که آیا با آموزش یا یادگیری مهارت می‌تواند این موضوع را در خودش تغییر دهد یا نه چون یک‌بار به من گفت اگر ویژگی اخلاقی بدی دارم تو من را با همین ویژگی بپذیر و نخواه که من را تغییر دهی و این را به همه ویژگی‌های خوبم بخش».

ذهنیت طرحواره‌ای

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به ذهنیت طرحواره‌ای^۱ اشاره کردند که شامل مقوله‌های نیازها،^۲ تله‌ها،^۳ خودآگاهی،^۴ خلق و خوی هیجانی^۵ و وابستگی^۶ است. اولین مضمون فرعی از

ارزش‌های دینی و اسلامی در فرهنگ ما، شباهت‌های ارزشی، اخلاقی و اعتقادی، ایمان به خدا، باورها و نگرش‌های مذهبی جزو معیارهای مهم انتخاب است. از این رو، در مصاحبه با زوجین کدهای ارزش‌های دینی و مذهبی متفاوت، نادیده گرفتن ارزش‌های مذهبی یکدیگر، گرایش‌های مذهبی ناهمسو، عمل نکردن به فرایض دینی، تفاوت در نگرش اعتقادی، ناهمخوانی ارزش‌های دینی خانواده‌ها، اهمیت قائل نشدن به ارزش‌های اخلاقی، نادیده گرفتن محرم و نامحرم‌ها و پایبند نبودن به مسائل اخلاقی و اعتقادی استخراج شد. به‌عنوان مثال خانم ۲۹ ساله بیان کرد «از نظر من و خانواده‌ام احترام متقابل خیلی مهمه، مسائل عقیدتی، محرم و نامحرم، حلال و حرام خیلی برامون مهمه و به نظرم پایبندی به اصول اعتقادی و اخلاقی خیلی مهمه و تأثیر داره تو انتخاب نهایی من».

در مسیر انتخاب همسر، معیارها و ارزش‌های زیادی حاکم هستند؛ در این میان نقش فرهنگ و آداب و رسوم، به دلیل تأثیر زیاد بر ازدواج و تفکرات خانواده بسیار حائز اهمیت است. بدون توجه به معیارهای فرهنگی حاکم بر جامعه، پیوند ازدواج با مشکلاتی مواجه می‌شود که در مصاحبه با زوجین به مواردی نظیر تفاوت در نگاه و طرز پوشش، نادیده گرفتن و پایبند نبودن به رسم و رسوم خانواده، ناهمخوانی فرهنگی زیاد، باورهای فرهنگی متفاوت، نادیده گرفتن یا سبک شمردن ارزش‌های فرهنگی یکدیگر، ساختار فرهنگی متفاوت خانواده‌ها، باورهای فرهنگی ناکارآمد، اختلاف و دعوا سر مسائل فرهنگی اشاره شد. به‌عنوان مثال آقای ۳۴ ساله بیان کرد «چند باری که نامزد من اومد توی خانواده و جمع فامیلی من، براساس عادت ترک‌ها، اعضای خانواده شروع کردن با همدیگه ترکی حرف زدن و از اونجایی که نامزد من ترکی بلد نیست احساس کردم داره ناراحت میشه، با اینکه بهش توضیح داده بودم از قبل که معمولاً همچین اتفاقاتی میوفته؛ اما براش قابل هضم نبود و یکی دوباری سر این مورد که خانواده‌ات چرا پیش من ترکی حرف میزنن و لابد دارن پشت سر من حرف میزنن بحث داشتیم».

بحث دیگری از مضمون نظام ارزشی زوج‌ها، عقاید و باورهای زوجین است. به طوری که برداشت‌های ذهنی، باورها،

1. schematic mentality
2. needs
3. traps
4. self-knowledge
5. emotional mood
6. dependency

دیگران در ازدواج، حس مالکیت فردی، توجه به زیبایی ظاهری، احساس طرد شدن، انتخاب ناآگاهانه و ناپخته، ترس از رد شدن، حس عدم اعتماد، دهن بین بودن، ایده‌آل‌گرایی، بدبینی، شکاکیت و سوءظن، تردید داشتن، رفتار ساختگی و تصنعی، بازی با کلمات، وعده دادن.

خانم ۲۵ ساله چنین گفت «زندگی مراقبت می‌خواد یعنی به‌دست آوردن هر زندگی به مراقبتی لازم داره به‌دست آوردن شغل مراقبت می‌خواد و فاصله‌ای که بینمون داره ایجاد میشه حس ناامنی، حس ترس، حس از دست دادن اینه تو ذهن من داره شکل می‌گیره که آیا می‌تونم ادامه بدم یا نه؟ آیا در ادامه نامزدم منو ترک میکنه یا میتونه بهم اطمینان بده».

سومین مضمون فرعی از ذهنیت طرحواره‌ای، خودآگاهی است؛ خودآگاهی، توانایی شناخت و آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قدرت، خواسته‌ها، ترس‌ها و بیزاری‌ها است؛ به معنای دیگر خودآگاهی آگاهی یافتن و شناخت اجزای وجود خود؛ شناخت اجزایی همچون خصوصیات ظاهری، احساسات، افکار و باورها، ارزش‌ها، اهداف، گفتگوهای درونی و نقاط قوت و ضعف خود. از این رو در مصاحبه با زوجین کدهای ناتوانی در شناخت جنس مخالف، ناتوانی در شناخت خلق و خوی یکدیگر، ناتوانی در شناخت خصوصیات خود، ناتوانی در شناسایی احساسات و عواطف یکدیگر، ندیدن نقاط ضعف و قوت خود، خودکم‌بینی، نداشتن اعتمادبه‌نفس، سست اراده بودن، نداشتن پختگی عاطفی و عقلی، ترس از بروز دادن توانایی‌ها، نداشتن برنامه و هدف مشخص، ناتوانی در شناخت سطح هیجانات خود، ناتوانی در شناخت نیازهای بنیادی خود و ناتوانی در مخالفت کردن و نه گفتن استخراج شد. آقای ۲۵ سال بیان کرد «من مطمئنم نامزدم توانایی‌های زیاد داره ولی توانایی‌هاشو ارزش استفاده نمی‌کنه یا بروز نمی‌ده خیلی دیر استفاده میکنه از توانایی‌هاش. آدم توانمندیه و توقع میره برنامه‌ریزی دقیق‌تر داشته باشه. مثلاً تو بعضی کارا که مربوط به پیشرفت خودمون دوتا و واسه کار خودش و کارمون لازمه واسه مثلاً کیس ما که می‌خوایم بریم خارج زندگی کنیم اون اراده رو بعضی موقع‌ها نداره و سست میشه».

بحث بعدی خلق و خوی هیجانی زوجین است؛ حالات خلقی جزء تفکیک‌ناپذیر زندگی روزمره است و آثار گسترده‌ای بر جنبه‌های مختلف، از سلامت روانی گرفته تا کارکردهای

ذهنیت طرحواره‌ای، نیازهای زوجین است؛ تئوری انتخاب^۱ بر این دیدگاه استوار است که رفتارهای هر انسان، انتخاب‌های او برای ارضای نیازهایش است؛ این رفتارهای هدفمند بیش‌تر از انگیزه‌های درونی ریشه می‌گیرند تا عوامل و محرک‌های بیرونی. از این رو در مصاحبه با زوجین، موارد زیر نیاز به ابراز احساس و عاطفی، نیاز به مراقبت، نیاز به حمایت، نیاز به هم‌صحبتی، نیاز به امنیت، نیاز به تفریح و شادی، نیاز جنسی، نیاز مادی، نیاز معنوی و نیاز به استقلال مالی استخراج شد. به‌عنوان مثال آقای ۳۸ ساله بیان کرد «متأسفانه دخترهای امروزی این ذهنیت را دارند که پسر باید آنها را خوشبخت کند در صورتی‌که این غلط جاافتاده است، پسر و دختر وظیفه خوشبخت کردن همدیگر را ندارند یک زندگی مشترک شروع می‌شود که باید با هم خوشبخت شوند هیچ‌کس وظیفه ندارد طرف مقابل را صد درصد خوشبخت کند؛ ما باید با هم بسازیم و با هم خوشبخت شویم نه اینکه یک نفر فقط کار کند و سرویس بدهد و طرف مقابل فقط توقع داشته باشد؛ بنابراین ذهنیت من این هست که اگر قرار هست من چیزی به نام او کنم، او برای من چه‌کار می‌کند (از لحاظ مالی)؟ از لحاظ عاطفی که هر دو یک بانک باز می‌کنیم و در قلم‌های همدیگر مهر و عاطفه می‌ریزیم و این از بدیهیات ازدواج هست؛ اما از لحاظ مالی برای من توجیه ندارد که من چون ازدواج کرده‌ام باید هر چه دارم را با خانمم نصف کنم، چرا اگر خانمم هم از لحاظ مالی به همان اندازه که من آوردم می‌آورد مشکلی نبود اما اگر یک‌طرفه باشد زیبا نیست».

بحث دیگر مضمون اصلی ذهنیت طرحواره‌ای، مضمون فرعی تله‌های هر یک از زوجین است؛ تله‌های زندگی یا طرحواره‌های شخصیتی الگوهایی تکرار شونده در وجود افراد است؛ شناسایی تله‌های زندگی هر فرد می‌تواند در داشتن روابط اجتماعی موفق و عدم تکرار اشتباهات گذشته به شخص کمک فراوانی کند. در این خصوص پس از مصاحبه با زوجین کدهای زیر شناسایی شد: ترس از آینده، ترس از ازدواج، حس از دست دادن فرد مورد علاقه، ترس از شکست، دوره برزخی بودن بین انتخاب کردن و نکردن، نشخوار فکری مدام، ترس از محدود شدن پس از ازدواج، تردید در انتخاب فرد موردنظر، ترس از تجربه فضای جدید پس از ازدواج، خودمحور بودن، ترس از خلأ عاطفی پیدا کردن، ترس از تجربه‌های ناموفق

پیش از آنکه همسر دیگری باشند فرزند خانواده خود هستند. آنان چون وابسته به خانواده خود هستند نمی‌توانند نقش همسری را به‌خوبی اجرا کنند در نتیجه زندگی مشترک آنان در خطر آزدگی و ناکامی مواجه است. در این خصوص برخی از زوجین مواردی را اشاره کردند که عبارتند از: وابستگی عاطفی، ایجاد وابستگی در فرد مورد علاقه، وابستگی به خانواده اصلی و وابستگی اقتصادی به خانواده اصلی.

مرد ۲۹ ساله گفت «وابستگی تو خانواده ما خیلی متعادل‌تره و به نظر خود من خیلی منطقی‌تره یعنی اینکه این وابستگی از همون نوع وابستگیه که میگم یعنی مثلاً پدر نامزدم دوست نداشت مثلاً زیاد میل و رغبتی نداره که جایی بدون مادر نامزدم بره. خب این به نظر من خوب نیست مثلاً من دوست دارم که نامزدم مثل اونا نباشه و گاهی اوقات بدون من هم بره مهمونی و خرید و هر جا که دوست داره و زیاد وابسته من یا خانواده‌اش نشه».

اثرات مخرب خانواده اصلی

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به اثرات مخرب خانواده اصلی^۱ در دوره نامزدی خود اشاره کردند که شامل مقوله‌های الگوگیری منفی از خانواده^۲، تجارب ناموفق در خانواده^۳، نقش منفی خانواده^۴ است. نخستین بحث از مضمون اصلی اثرات مخرب خانواده اصلی، الگوگیری منفی از خانواده توسط زوجین است. هرگونه کنش و واکنشی از طرف پدر و مادر الگویی است برای فرزندی که خود در آینده خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین زوجینی که به خانواده‌ی جدید پا می‌گذارند، هرکدام حامل الگوهای رفتاری و تربیتی هستند که برگرفته از خانواده‌ی اصلی آنهاست. در همین راستا از نتایج مصاحبه با زوجین موارد الگوگیری منفی از والدین در پذیرش خانواده یکدیگر، الگوگیری از خانواده برای نقش بازی کردن در جهت پذیرفته‌شدن در خانواده یکدیگر، الگوگیری نامناسب نقش‌ها و وظایف از خانواده اصلی، همفکر بودن با خانواده اصلی در جهت تخریب یکدیگر، الگوگیری از خانواده اصلی در جهت ابراز نکردن کلامی احساسات به یکدیگر، الگوپردازی از خانواده در جهت بی‌احترامی به خانواده‌های یکدیگر، الگوگیری نامناسب عاطفی، الگوگیری نامناسب حل تعارضات، ناتوانی در حل مسئله عاطفی، ارتباط کلامی و رفتاری محدود و کم در

اجرایی مانند توجه، تمرکز، قضاوت و تصمیم‌گیری‌ها، دارد؛ خلق، حالات هیجانی کلی و پراکنده افراد است که در تمام عمر با آنهاست. از این‌رو، در مصاحبه با زوجین کدهای زیر: پراسترس بودن، زودجوش بودن، دمدمی مزاج بودن، هیجانانگیز بودن، بیش‌ازحد داشتن، خلق‌وخوی تند داشتن، سبک‌مغز بودن، ساده‌لوح بودن، حراف بودن، معاشرتی و اجتماعی نبودن، ناتوانی در جذب جنس مخالف (عشوهرگری و دلبری نکردن)، تکانشی بودن، درون‌گرا بودن، برون‌گرا بودن، پرخوری و نداشتن تناسب‌اندام، خوش‌رو نبودن، احساساتی بودن و احساساتی عمل کردن، بددهن بودن، پرخاشگر بودن (کلامی و فیزیکی)، بی‌تاب و پرشور بودن، شکاک و بدبین بودن، عشق آتشین و زودگذر داشتن، آستانه تحمل پایین داشتن، ملاحظه‌کار بودن، چک کردن، کنترل کردن، وسواس فکری (نشخوار فکری)، منفعل و گوشه‌گیر (خجالتی بودن)، جزئی‌نگری، غمگین و افسرده و ناامید بودن، تحت‌فشار قرار دادن یکدیگر، باج‌گیری عاطفی، متعصب بودن، مصرف مواد، الکل یا سیگار، نوسانات خلقی، آراسته نبودن و شلخته بودن استخراج شد. در این راستا آقای ۲۹ ساله گفت «یک روز که برای نحوه مراسم‌ها داشتیم صحبت می‌کردیم شدیداً دعوا کردیم اون به من فحش و من به اون و من متأسفانه یک سیلی بهش زدم و اوضاع بهم ریخت. بعد خانواده اون فهمید و خانواده من. همه چی رو کنسل کردیم چون هرکس خود رو محق می‌دونست. البته ریشه این دعوا فقط این وسایل و مراسم عروسی نبود، ما ۳ ساله نامزدیم و اکثر اوقات حرفمون میشد سر مسائل مختلف، سر خانواده‌ها، سر شغل من که دوره، سر اینکه نمیدانست شرکت داداشم کار کنم چون کار فامیلی می‌گه دوست ندارم، سر تفاوت فکری و سر شکاکیت‌هاش. البته من هم زود عصبانی میشم اما خداییش فقط همین بدی رو دارم به جاش مهربون و باگذشتم، اما اون خودخواه و لجبازه و فقط خود و خانواده‌شو محق میدونه».

مضمون فرعی دیگری از ذهنیت طرحواره‌ای مربوط به وابستگی در زوجین است؛ یکی از نکات مهم و تعیین‌کننده در ازدواج میزان استقلال زوجین از خانواده اصلی است؛ به‌شکلی که برخی از دختران و پسران هنگامی که ازدواج می‌کنند از نظر روانی از خانواده خود جدا نشده‌اند. این افراد

1. destructive effects of the main family
2. negative family modeling
3. unsuccessful experiences in the family
4. negative role of the family

همکاری آنها با یکدیگر است، در سلامت روانی و رفتاری فرزندان مؤثر است. در این خصوص پس از مصاحبه با زوجین موارد حمایت نشدن از سوی خانواده، تعیین خطمشی از سوی خانواده، نادیده گرفتن خانواده در امر ازدواج، دخالت نکردن و کنار کشیدن خانواده در مسئله ازدواج، دخالت‌های گاه‌وبیگاه خانواده، اجبار به ازدواج با فرد موردنظر خانواده، اهرم فشار اقتصادی و قطع منابع مالی در صورت مخالفت فرزند، لجبازی والدین، دخالت دیگر اعضای خانواده (مثل خواهرشوهر یا خواهرزن) و کارشکنی خانواده استخراج شد. در این مورد خانم ۳۲ ساله چنین گفت «هرموقع میرم خونه نامزدم یک حسی بهم میگه که الان خواهر نامزدم می‌خواد منو تو جمع ضایع کنه و همین هم همیشه و وقتی می‌شینیم برای مراسم عقد و عروسی برنامه‌ریزی کنیم سریع خودش رو دخالت میده. طوری شده که کل برنامه‌ریزی‌های زندگی ما دست خواهرش و مادرش افتاده و هیچ اراده‌ای انگار تو نامزد نیست که جلوشون وایسه و بگه زندگی خودم هست. این چیزاش خیلی اعصاب منو خرد میکنه و همش می‌ترسم در آینده و پس از ازدواج مداخله‌ها بیشتر هم بشه».

بحث

هدف پژوهش کیفی حاضر با رویکرد پدیدارشناسی بررسی چیستی آسیب‌های دوره نامزدی از دیدگاه زوجین در مرحله نامزدی بود. تحلیل و کدگذاری یافته‌ها منجر به پیدایش ۵ مضمون اصلی تحت عنوان: الگوهای ناکارآمد ارتباطی، الگوهای ناکارآمد مدیریت رابطه، نظام ارزشی زوج‌ها، ذهنیت طرحواره‌ای و اثرات مخرب خانواده اصلی شد. یکی از برجسته‌ترین مضمون‌های شناسایی شده در این پژوهش، الگوهای ناکارآمد ارتباطی است. در بحث طی کردن دوره نامزدی، مشارکت‌کنندگان به الگوهای ناکارآمد ارتباطی خود اشاره کردند. الگوهای ارتباطی میان زوجین معمولاً با تکرار و در طول زمان تثبیت می‌شوند؛ به این معنا که هنگامی که هر یک از زوجین در برابر یکدیگر رفتارهایی را انجام می‌دهند و این رفتارها برای چند گاهی ادامه پیدا می‌کند، به‌مرور زمان الگوهای ارتباطی میان آنها شکل می‌گیرد که رفتار آنها را در برابر یکدیگر جهت می‌دهد (شاهمرادی، اعتمادی، بهرامی، فاتحی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۵). بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند، ارتباط زناشویی کارآمد، پیش‌بینی‌کننده قوی کیفیت رابطه زناشویی و در مقابل، ارتباط زناشویی ناکارآمد، سرچشمه

خانواده اصلی استخراج شد. خانم ۲۵ ساله گفت «تو خانواده نامزدم اصلاً ابراز کلامی و رفتاری بیان احساسات دیده نمیشه و نامزد منم اصلاً مهارت بیان ابراز احساسات رو نداره هر موقع هم بهش میگم چرا اینجوری هستی میگه تو خانواده ما نه مامانم و نه بابام هیچوقت احساسشون رو ابراز نمی‌کردن حالا من یاد می‌گیرم تو الکی حساسی این رفتارش منو خیلی نگران میکنه».

بحث بعدی اثرات مخرب خانواده اصلی، مربوط به مضمون فرعی تجارب ناموفق هر یک از زوجین در خانواده اصلی است؛ از این رو، در خانواده‌های موفق، خانواده‌ها دارای ساختار مناسب با انعطاف در مرزبندی‌ها هستند که این مرزبندی به فرزندان کمک می‌کند تا دارای چارچوب مشخصی بوده و از گنگ بودن در نقش خود به دور باشند حال آن‌که در خانواده‌های با تجربه‌های ناموفق، خانواده ساختار درهم‌تنیده و یا گسسته دارد و در نتیجه فرد، الگوی مناسبی برای تعیین نقش‌های خود ندارد. از این رو در مصاحبه با زوجین، کدهای وابستگی پدر به خانواده، ناتوانی اعضای خانواده در برقراری ارتباط کلامی، تعامل پایین اعضای خانواده با یکدیگر، تعارض شدید با والدین، دوبه‌هم‌زنی و دورویی در بین اعضای خانواده، عدم تجربه ابراز هیجان‌ها و عواطف در خانواده، تعارض و آشفتگی نقش‌ها در خانواده و دوری و کناره‌گیری اعضا از یکدیگر استخراج شد. خانم ۲۸ ساله گفت «می‌توانم بگویم شاید خانواده نامزدم خانواده نباشند چون با خانواده ما خیلی متفاوت هستند برای مثال برای مدت طولانی پدر خانواده را ترک می‌کند و خرج خانه بر عهده مادر خانه می‌افتد، مهر، محبت و عاطفه بین اعضاء خانواده وجود ندارد و به‌شدت از پدر خانواده متنفر هستند و ایشان از بچگی به پدرش هیچ حسی ندارد اما خودش می‌گوید که اگر پدرم این‌طور برخورد نمی‌کرد من به این شکل موفق نبودم، اصلاً خانواده‌ای که در آن محبت، همدلی و صمیمیت باشد نیستند، مثلاً خانواده او برای ازدواجش اصلاً کمک مالی به ایشان نمی‌کنند و حتی اوایل ارتباط به من گفت که خانواده من هیچ کمکی به من و تو نمی‌کنند و بعدها به من خرده‌نگیر، حتی می‌گوید که برای حفظ احترام من خیلی من را به خانه پدری نمی‌برد».

بحث بعدی اثرات مخرب خانواده اصلی، نقش منفی خانواده در دوره نامزدی است؛ جو عاطفی خانواده که چگونگی دخالت یا عدم دخالتشان در کارهای اعضای دیگر و رقابت و

زوجین و سایر گروه‌های عضویت مانند مدارس، دانشگاه‌ها و گروه‌های هم‌سالان و ... است. این نتایج با یافته‌های (خجسته‌مهر و همکاران ۱۳۹۶؛ رجبی، حمیدی، امان‌الهی و اصلانی، ۱۳۹۷؛ صدیق اورعی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۸؛ عظیمی هاشمی، اعظم کاری، بیگناه و رضامنش، ۱۳۹۴؛ هارت، ۲۰۱۴) همخوانی دارد.

مضمون اصلی دیگر در پژوهش حاضر، ذهنیت طرحواره‌ای است. سبک‌های دلبستگی، تله‌های روانی و خلق‌وخوی هیجانی میراث دوران کودکی در تعامل بین کودک و مراقبت‌کننده اولیه است؛ دلبستگی، جو هیجانی حاکم بر رابطه مادر-کودک است که در فضای بین کودک و سیستم خانواده به‌عنوان یک خمیرمایه هیجانی شکل می‌گیرد (امانی، ثنایی ذاکر، نظری و نامداری پژمان، ۱۳۹۰)؛ مثلاً زوجی که دارای طرحواره محرومیت هیجانی است همواره از فقدان توجه، درک همدلانه، عدم وجود پایگاه امن، دردسترس نبودن سیستم خانواده برای توجه به نیازهای عاطفی و روانی‌اش، درک نشدن، به حرف دل او گوش نکردن و عدم خودافشایی رنج می‌برد (لیپی، ۲۰۱۶). هرچه فرد توانایی و آگاهی بیشتری از شناخت و چگونگی انتخاب و تفکیک ویژگی‌ها شخصیتی خود و هماهنگی آنها با ویژگی‌ها شخصیتی طرف مقابل خود داشته باشد، توانایی انتخاب مناسب‌تر در او تقویت می‌شود و همین انتخاب صحیح و مناسب زمینه‌ساز رضایتمندی را در فرد فراهم می‌سازد (امانی و همکاران، ۱۳۹۰). شدت نیازها و لزوم برآورده ساختن آنها، محرک مهمی برای آمادگی ازدواج افراد بوده است و شامل نیازهای مادی همچون نیاز جنسی و استقلال مالی از خانواده اصلی و نیازهای غیرمادی همچون نیاز به رشد شخصیتی، آرامش، همدم بودن و رشد اجتماعی است (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۴). یافته‌های این مطالعه با نتایج (امانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ عارفی، ۱۳۹۵؛ کرامت، موسوی، وکیلان و چمن، ۱۳۹۲؛ کپلر، ۲۰۱۵؛ موئیتی، کولوئی-کیاکیتس و موگولدی، ۲۰۱۷) همخوان است.

مضمون اصلی دیگر در پژوهش حاضر، اثرات مخرب خانواده اصلی است. برابر ادعای بوپس، وود و فورگوسن (۲۰۱۶) مدل‌های رفتاری خانواده می‌تواند بر سازگاری در روابط شخصی به‌ویژه در روابط صمیمی مانند ازدواج تأثیر گذارند. همان‌طور که اشاره شد هر یک از زوجین نامزد تجارب و انتظاراتی را به رابطه زناشویی می‌آورند که شاید بازمانده

عمده نارضایتی‌ها، تعارض‌ها و تنش‌های بین زوجی است (گاتمن و گاتمن، ۲۰۱۵). از این‌رو، اقدامات پیشگیرانه برای بروز از تعارض شامل: افزایش هماهنگی در زمینه‌های اهداف، تصمیمات، نگرش به بخشش، انعطاف‌پذیری، سازش‌پذیری، درک و همدلی، اصالت و باز بودن و مدیریت رابطه است (قزلسفلو و همکاران، ۱۳۹۶) که در این تحقیق نیز زوجین به آن اشاره کرده‌اند. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های اسمعیلی و دهدست (۱۳۹۳)، راگوف (۲۰۱۳)، قزلسفلو و همکاران (۱۳۹۶)، هارت (۲۰۱۴) و وایس (۲۰۱۴) همسو است.

مضمون اصلی دیگر در پژوهش حاضر، الگوهای ناکارآمد مدیریت رابطه است. ناتوانی در مدیریت رابطه گاه به آشفتگی می‌انجامد و برخوردهای آزاردهنده، دعوا، درگیری و تعارض و در نهایت ناخشنودی از رابطه، جای خود را به درک و تعامل، صمیمیت، آرامش و رضایت از رابطه دوتایی می‌دهد (اسمعیلی و دهدست، ۱۳۹۳). پژوهش‌های زیادی به آثار زیان‌بار تعارض‌های زناشویی بر سلامت جسمی و روانی زوجین اشاره کرده‌اند؛ همچنین نتایج نشان داده اگر زوجین بتوانند در ابتدای رابطه به شیوه مثبتی تعارض‌ها را مدیریت کرده توانایی حل آنها را داشته باشند، وجود تعارض، آسیب‌های کمتری را به دنبال خواهد داشت (اسمعیلی و دهدست، ۱۳۹۳؛ سیفرت و شوارتز، ۲۰۱۰؛ کمپ داش و تیلور، ۲۰۱۲؛ گاتمن و گاتمن، ۲۰۱۵).

مضمون اصلی دیگر در پژوهش حاضر، نظام ارزشی زوج‌ها است. نظام ارزشی زوج‌ها تجلی‌بخش عمده نظام فرهنگی هر یک زوجین است. نقش‌های اجتماعی که بخش مهمی از عناصر سازنده نظام ارزشی زوج‌ها هستند، معطوف به ارزش‌های نظام فرهنگی حاصل از تعاملات موجود و بافت فرهنگی در خانواده اصلی است. زمانی که هر یک از زوجین ارزش‌ها و باورهای مشترک و مشابهی نداشته باشند، انتظاراتشان از یک موقعیت و به‌عبارت دیگر هنجارهای مورد قبولشان درباره یک امر معین به احتمال زیاد ناهماهنگ خواهد بود (صدیقی اورعی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۸). از این‌رو، می‌توان در نظر آورد زمانی که اعضای سازمان خانواده دارای تفاوت فرهنگی باشند، تفاوت شخصیتی نیز خواهند داشت و نگرش‌ها و طرز برخورد آنها متفاوت خواهد بود و این امر به احتمال زیاد بر وقوع نزاع و تعارض میان آنان مؤثر خواهد بود. عدم توافق ارزشی تا اندازه زیادی ناشی از تفاوت فرهنگی اجتماعی خانواده‌های پدری

پژوهش حاضر بر اساس تجارب دوره نامزدی زوجین نامزد به موضوع پراهمیت چيستی دوره نامزدی در بافت فرهنگی-اجتماعی کشورمان پرداخت. یافته‌ها نشان داد که دوره نامزدی متأثر از عوامل مختلفی همچون الگوهای ناکارآمد ارتباطی، الگوهای ناکارآمد مدیریت رابطه، نظام ارزشی زوج‌ها، ذهنیت طرح‌واره‌ای و اثرات مخرب خانواده اصلی است. شناسایی این عوامل از طریق روش‌های کمی و ابزارهایی که فاقد حساسیت فرهنگی هستند، دور از دسترس بود. این یافته‌ها از یک سو لزوم توجه بیشتر به مبانی فرهنگی، ارزشی و اجتماعی تأثیرگذار بر نهاد ازدواج را برای افرادی که در حوزه ازدواج جوانان مشغول به فعالیت هستند، یادآوری می‌کند و از سوی دیگر، لزوم انجام پژوهش‌های کیفی بیشتر در زمینه آمادگی ازدواج جوانان در نمونه‌های متنوع‌تر را متذکر می‌شود. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر از محیط جغرافیایی خاصی انتخاب شدند؛ از این نظر ممکن است از لحاظ تعمیم‌پذیری به محیط‌ها و نمونه‌های دیگر دارای محدودیت باشد؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر عوامل اثرگذار بر ادراک زوجین نامزد، می‌توان از آن مبنایی برای محتوای برنامه‌های آموزشی آمادگی ازدواج استفاده کرد.

تجارب پیشین از خانواده اصلی باشند و این تجارب در شکل‌دهی به روابط صمیمی پس از آن و شیوه برخورد با مسائل زناشویی نقش بنیادی دارد و برخی اوقات تعارضاتی که میان زوجین رخ می‌دهد حاصل تأثیر مستقیم سیستم خانواده اولیه است؛ از این رو، کشمکش‌هایی که میان یک زوج درمی‌گیرد شاید از سرگیری و ادامه مشکلاتی باشد که هرکدام از آنها در روابط میان‌فردی اولیه خود در خانواده اصلی تجربه کرده‌اند (عارفی، ۱۳۹۵). اغلب صدمات خانواده اصلی زمانی خود را نشان می‌دهد که فرد رابطه صمیمانه خود را با دیگری شروع کند. اعمال نفوذ خانواده اصلی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم و اغلب ناخودآگاه است، می‌تواند یکی از زیربناهای جدی تعارض‌های زناشویی از شروع تا پایان هر ازدواجی باشد. طبق تجارب بالینی، بیشترین موضوع‌های مشاجرات زن و شوهر ایرانی را کم و کیف رابطه آنها با خویشاوندان یا خانواده اصلی آنها تشکیل می‌دهد (افقری، بهرامی و فاتحی زاده، ۱۳۹۵). از این رو، پژوهش حاضر یک مطالعه اکتشافی مقدماتی در زمینه کشف آسیب‌های دوره نامزدی است ولی به ارتقاء دانش در زمینه چارچوب مفهومی چگونگی آمادگی ازدواج و ادراک آمادگی ازدواج کمک می‌کند؛ از این رو، مقایسه تجربیات زیسته زوجین نامزد، گامی مهم به سوی آزمون اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر است.

منابع

- اسدی شیشه‌گران، س.، قمری کیوی، ح.، و شیخ‌الاسلامی، ع. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده نامزدها. *مشاوره کاربردی*، ۱، ۷۷-۸۸.
- اسمعیلی، م.، و دهدست، ک. (۱۳۹۳). ارائه طرحی مفهومی از رابطه تعارض‌های دوران نامزدی (پیش از ازدواج) با رضایت زناشویی (پس از ازدواج). *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴، ۴۴۵-۴۰۵.
- افقری، ف.، بهرامی، ف.، و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۹۵). بررسی آسیب‌های موجود در تعامل زوجین با والدین خود بعد از ازدواج. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۲، ۲۳۸-۲۰۹.
- امانی، ا.، ثنایی ذاکر، ب.، نظری، ع. م.، و نامداری پژمان، م. (۱۳۹۰). اثربخشی دو رویکرد طرح‌واره‌درمانی و دلبستگی‌درمانی بر سبک‌های دلبستگی در دانشجویان مرحله عقد. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱، ۱۷۱-۱۹۱.
- حاجلو، ن.، علیزاده گورادل، ج.، قطبی، م. ر.، و دلورقوام، س. (۱۳۹۲). مقایسه ابعاد عشق‌ورزی بر اساس مدت ازدواج در بین زنان و مردان متأهل. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴، ۶۳-۴۸.
- خجسته‌مهر، ر.، دانیالی، ز.، و شیرالی‌نیا، خ. (۱۳۹۴). تجارب دانشجویان متأهل از آمادگی ازدواج: یک مطالعه کیفی. *روانشناسی خانواده*، ۲، ۵۰-۳۹.
- خجسته‌مهر، ر.، محمدی، ع.، و عباس‌پور، ذ. (۱۳۹۶). نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۶، ۳۵۴-۳۴۳.
- رجبی، غ. ر.، حمیدی، ا.، اما الهی فرد، ع.، و اصلانی، خ. (۱۳۹۷). پی‌کاوی تجربه زیسته رضایت زناشویی زوجین دارای تفاوت فرهنگی: یک مطالعه پدیدارشناسی، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱، ۱۲۴-۱۰۵.

عارفی، م. (۱۳۹۵). پیش‌بین رضایت از رابطه هنگام نامزدی بر پایه ویژگی‌های شخصیتی، عوامل خانوادگی، همسانی شخصیتی و خانوادگی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲، ۸۷-۱۰۶.

عظیمی هاشمی، م.، اعظم‌کاری، ف.، بیگناه، م.، و رضامنش، ف. (۱۳۹۴). ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج. *راهبرد فرهنگ*، ۲۹، ۱۷۹-۲۱۲.

قرلسفلو، م.، جزایری، ر.، بهرامی، ف.، و محمدی، ر. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی از نظر زوج‌های ایرانی (یک مطالعه کیفی). *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶، ۲۶-۱.

کرامت، ا.، موسوی، س. ع.، و کیلیان، ک.، و چمن، ر. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی ارتباطات قبل از ازدواج از دیدگاه پسران دانشجوی. *پایش*، ۱۲، ۲۴۲-۲۳۳.

References

Boyce, C. h., Wood, A. M., & Ferguson, E. (2016). For better or for worse: The moderating effects of personality on the marriage-life satisfaction link. *Personality and Individual Differences*, 97, 61-66.

Creswell, J. W., & Clark, V. L. P. (2007). *Designing and conducting mixed methods research*. New York, NY: Sage Publications.

Gottman, J. M., & Gottman, J. S. (2012). *Bridging the couple chasm: Gottman couple's therapy: A research-based approach*. Seattle, WA: The Gottman Institute.

Gottman, J. M., & Gottman, J. S. (2015). *10 principles for doing effective couples therapy* (Norton Series on Interpersonal Neurobiology). New York: Norton.

Helms, S. W., Sullivan, T. M., Corona, R., & Taylor, K. A. (2013). Adolescents recognition of potential positive and negative outcomes in risky dating situations. *Journal of Interpersonal Violence*, 28, 3084-3106.

Hurt, T. R. (2014). Black men and the decision to marry. *Marriage & Family Review*, 50, 447-479.

Kamp Dush, C. M., & Taylor, M. G. (2012). Trajectories of marital conflict across the life course: Predictors and interactions with marital happiness trajectories. *Journal of Family Issues*, 33, 341-368.

رستمی، م.، و قرلسفلو، م. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به شیوه سیمپیس بر باورهای ارتباطی زوجین نامزد. *روانشناسی خانواده*، ۵، ۴۵-۵۶.

رفیعی، ا.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، و جزایری، ر. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش آمادگی برای ازدواج بر انتظارات زناشویی و مؤلفه‌های آن در دختران عقد کرده شهر اصفهان. *علمی پژوهشی زن و جامعه*، ۶، ۳۹-۲۱.

شاهمردی، س.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، فاتحی‌زاده، م.، و احمدی، س.ا. (۱۳۹۵). مدل عامل مؤثر بر چرخه‌ی ارتباطی زوجی درخواست-کناره‌گیری. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱، ۳۵-۵۶.

صدیقی اورعی، غ. ر.، و اصغرپور ماسوله، ا. ر. (۱۳۸۸). عدم توافق ارزشی و تأثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۳، ۸۵-۶۴.

Kepler, A. (2015). *Marital satisfaction: The impact of premarital and couples counseling*. Master of social work clinical research papers, school of social work, St. Catherine University University, 26-49.

Leahy, R. L. (2016). Emotional schema therapy: A meta-experiential model. *Australian Psychological Society*, 51, 82-88.

Moeti, B., Koloï-Keaikitse, S., & Mokgolodi, H. L. (2017). Married women's lived experiences on the value of traditional premarital counseling "Go Laya" on marital stability in Botswana. *The Family Journal*, 25, 117-135.

Perry, A. R. (2013). African American men's attitudes toward marriage. *J Black Stud*. 44, 182-202.

Rogoff, L. (2013). *The influence of family communication patterns, marital typology, and level of intimacy on marital satisfaction for couples living in the United States*. Doctoral dissertation in clinical psychology. Walden University.

Ruggles, S. (2016). Marriage, family systems, and economic opportunity in the USA since 1850. *Gender and Couple Relationships*, 6, 3-41.

Siffert, A & Schwartz, B. (2010). Spouse's demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Social and Personal Relationship*, 28, 262-277.

- Weiss, J. M. (2014). *Marital preparation, experiences, and personal qualities in a qualitative study of individuals in great marriages*. Master Dissertation in Family, Consumer, and Human Development. Utah State University.
- Willoughby, B. J., Hall, S. S., & Luczak, H. P. (2015). Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of Family Issues*, 36, 188-211.